

نقش راهبردی اقتدار فرهنگی در امتداد حیات اجتماعی شیعیان

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر محمد دوست):

رهبران شیعی که از همان ابتداء در تنگنای فراگیر دوران قرار داشته و به منابع بنیادین قدرت مانند اقتصاد و سیاست دسترسی نداشتند، با اتخاذ راهبرد مؤثر فرهنگ، جان تازه ای به کالبد نیمه جان شیعه بخشیده و بدینوسیله به اوج اقتدار حقیقی دست یافته و استمرار آن را تضمین نمودند.

در همین راستا این مقاله بر اساس منابع تاریخی و با بهره گیری از روش تحلیل محتوای سخنان باقی مانده از امامان (علیهم السلام) در پی پاسخ به این پرسش اصلی پژوهش است که؛ مهم ترین مؤلفه های اقتدار فرهنگی امامان در استمرار حیات شیعه چه بوده است؟

یافته های تحقیق نشان می دهد؛ اقتدار علمی و سرمایه گذاری فرهنگی مهم ترین مؤلفه های اقتدار فرهنگی رهبران شیعه بوده است که در ایجاد، تقویت و استمرار گفتمان شیعه و غلبه بر حاکمیت گفتمان اکثریت نقش اساسی داشته، به گونه ای که ایشان توانستند علاوه بر اثرگذاری عمیق بر دیگر فرهنگ ها، با توسعه نفوذ قلمرو جغرافیای فرهنگی تشیع، فراتر از قلمرو سیاسی حاکمان، شیعه را به قدرت اجتماعی تبدیل نمایند.

بدیهی است به کارگیری این مؤلفه های حرکت آفرین، در کنار مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، می تواند چراغ راه شیعه در جهانی سازی فرهنگ تشیع دوازده امامی و نقش آفرین در ارتقای اقتدار اجتماعی آنان در مسیر شکوفائی تمدن نوین اسلامی باشد، چنان که غفلت از آن اثربخشی اقدامات شیعه را با چالش اساسی مواجه خواهد نمود.

ناقد اول (حجت الاسلام اخوان):

عنوان مقاله: تغییر کلمه امتداد به چیرگی حیات اجتماعی شیعیان؛ مرجعیت علمی مخصوص زمان اهلبیت نبوده است بلکه هزاران سال بعد و هم اکنون ادامه دارد؛ جمهوری اسلامی ایران مصداق بارز پویایی این جریان تا به زمان حاضر است؛ در مقدمه و چکیده یک سوال اصلی پرسیدید که شاید جای مناسبی نبوده است. چرا که ممکن است دو توهم برای خواننده بوجود بیورد:

منابع بنیادین قدرت را حکومت و اقتصاد معرفی کردید. آیا چیرگی اجتماعی خود از منابع بنیادین نیست؟

راهبرد خروج از وضعیت عدم دسترسی به منابع بنیادین سیاست و اقتصاد، تلاش به سمت راهبرد فرهنگی بوده است در حالیکه به شواهد تاریخی، شیعه حتی در اوج دسترسی به منابع سیاسی و اقتصادی، مصادیق مرجعیت علمی-فرهنگی بسیاری را ابراز داشته است. شواهد قرآنی بسیاری هم در این زمینه وجود دارد.

ناقد دوم (دکتر دهقانپور):

بُعد ساختاری مقاله:

پیشینه در مقاله یک ارزیابی نقادانه از آنچه که قبلاً نگارش شده است. بهتر بود چگونگی استفاده از نگارشات قبلی بیان شود. شما تحلیل محتوا را در مقاله به عنوان روش نگارش بیان کردید اما شواهد این روش در متن دیده نشد.

در تحقیقات توصیفی مبانی نظری مورد بررسی قرار میگیرد. اما مقاله تحلیلی حضرتعالی نیازمند چهارچوب مفهومی است.

بُعد محتوایی مقاله:

لازم بود از برخی منابع استفاده نشود که مصداق آن بیان شد.

تعریف فرهنگ از منابع خارجی استفاده کردید و ارجاع دادید درحالیکه در منابع فارسی تعریف جامعی نسبت به آن بیان شده است.

شایسته بود کلمه اصلی ترین در عنوان مقاله می آمد چرا که اقتدار فرهنگی در مولفه های دیگر نیز قابل استفاده است.